



مینای عرفان در جهت نفی غیریت است/ تفکر مدرن مسئله دیگری را مطرح کرد

یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در باره مسئله دیگری در دوران جدید گفت: اگر به تاریخ تفکر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که مسئله غیر به صورت جدی در تفکر مدرن وجود دارد و بیش از آن مطرح نشده است. بنابراین تفکر مدرن مسئله دیگری را مطرح کرد.

یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در باره مسئله دیگری در دوران جدید گفت: اگر به تاریخ تفکر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که مسئله غیر به صورت جدی در تفکر مدرن وجود دارد و بیش از آن مطرح نشده است. بنابراین تفکر مدرن مسئله دیگری را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین روز همایش "فلسفه و مسئله دیگری" روز گذشته چهارشنبه 28 آبان ماه با سخنرانی علی اصغر مصلح استاد دانشگاه علامه طباطبائی و شهرام پازوکی عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و محمود مروارید پژوهشگر فلسفه برگزار شد.

پازوکی درباره «عرفان و حضور دیگری» سخنرانی کرد و گفت: اگر به تاریخ تفکر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که مسئله غیر به صورت جدی در تفکر مدرن وجود دارد و بیش از آن مطرح نشده است. بنابراین تفکر مدرن مسئله دیگری را مطرح کرد. در نظریه های دکارت بحث جدایی انسان از عالم و انسان از عالم و خدا به صورت وجودی طرح می‌شود. در تصویر دکارت انسان سوژه و عالم ایژه است.

وی با بیان اینکه در تفکر اسلامی کلماتی معادل سوژه و ایژه وجود ندارد افزود: مساله ایژه شدن عالم خارج، مساله غیر را برجسته کرده است. اگر مسئله عالم خارج طرح نشده بود مساله غیر هم مطرح نمی‌شد. بنابراین اساس فلسفه مدرن غیرسازی است. در فلسفه معاصر این نوع ادراکات که به جای حضور موجودات به حصولشان نزد سوژه می‌اندیشد تفکر ایژه‌نگر می‌گویند. یکی از مصادیق بارز تفکر ایژه‌ساز علم جدید است که مبتنی بر عدم و رفع مواجهه حضوری و مستقیم با پدیده‌هاست. در تفکر علمی که تفکر ایژه‌ساز است انسان، تاریخ، دین، خدا و ... معروض این تفکر می‌شوند. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا وقتی در عصر مدرن تفکر منحصر به علم جدید شده و به معرفت دیگر توجه نمی‌شود آیا می‌توان تفکر ایژه‌ساز هم وجود داشته باشد؟

پازوکی در ادامه گفت: در پاسخ به این سوال برخی از اهل نظر پاسخ مثبت داده‌اند. به طور مثال گابریل مارسل از دو نوع تفکر سخن می‌گوید. اینگونه افراد به دنبال پاسخ‌هایی هستند که راه را برای عبور از تفکر ایژه‌ساز همواره کند. در آثار متقدم هایدگر نیز با طرح در عالم بودن انسان عالم غیری وجود ندارد و در واقع انسان در میان دیگران ساخته می‌شود.

وی با بیان اینکه دو نگرش در فلسفه معاصر برای عبور از تفکر ایژه‌نگر مطرح می‌شود گفت: نخستین تفکر، «تفکر هنری» است که در واقع تفکر حضوری نیز از آن یاد می‌شود. اما تفکر دوم تفکر عرفانی است و مسئله مذهبی و دینی نیست بلکه بحث جدی‌اش عبور از تفکر ایژه‌ساز است. حال در اینجا این سوال مطرح می‌شود که چگونه در عرفان اسلامی غیر معنا می‌شود؟ برای تشریح این مساله باید توحید را تبیین کرد. توحید در لغت به این معناست که دو چیز یک چیز می‌شوند و دیگر، غیری باقی نمی‌ماند. در تفکر عرفانی غیر از او چیزی وجود ندارد و همه چیز جلوه‌ای از او هستند. عارفان مسلمان توحید حقیقی را توحید وجودی می‌دانند. توحید وجودی نیز به غیر از توحید الوهی است. کمال توحید وجودی رسیدن به بهشت حقیقی است و آن مشاهده حق است و لاغیر.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه درباره نسبت خدا و انسان در معارف اسلامی چندین نگاه وجود دارد افزود: در نگاه نخست خدا شارع است و امکان وضع قوانین برای بشر را دارد. نگاه دوم نگاهی است که متکلمان و فیلسوفان به این موضوع دارند. در این نگاه خداوند نسبت وجودی با انسان دارد. مولانا در مثنوی معنوی بارها با کلمات تندی به این نگاه متکلمان حمله کرده است و می‌گوید خویش را تأویل کن نه ذکر را. در نگاه سوم نیز که از منظر عرفان به آن نگریسته می‌شود گفته شده از آنجا که خدا از روح خودش در انسان دمیده او حقیقت الهی را دارد و معرفت نفس عین معرفت حق است. بحث معرفت نفس در کلام و فلسفه با عرفان متفاوت است چرا که در فلسفه و کلام، معرفت نفس و خودشناسی مقدمه‌ای بر خداشناسی است در حالی که در عرفان خودشناسی، عین خداشناسی است.

پازوکی تصریح کرد و گفت: نکته دیگری این است که غیریت خدا و عالم در عرفان نفی می‌شود، چون هرچه هست تجلی وجود حق است. ابن عربی نیز در کتاب فتوحات مکیه به این موضوع اشاره کرده است. دومین مسئله‌ای که در عرفان بحث می‌شود، غیریت از جنبه انسان و عالم است. در علم مطالعه ادیان نظریه «نگرش جهان انسانی» وجود دارد که می‌گوید جهان همان انسان و انسان همان جهان است. در عرفان اسلامی این موضوع اساس قرار گرفته و دو اصطلاح عالم کبیر و عالم صغیر برخاسته از این نگرش است.

وی با اشاره به موضوع معرفت‌شناسی و مسئله غیریت در عرفان گفت این مسئله در عرفان کنار گذاشته شده است. عرفان

مبنایش در جهت نفی غیریت است. در معرفت‌شناسی مساله غیریت با عنوان حضوری بودن علم مطرح می‌شود. در نظر داشته باشید که بعد از سهروردی علم به صورت حضوری و حصولی مطرح شد و ملاصدرا می‌گوید علم حقیقی مشاهده حضوری است. پازوکی در ادامه به موضوع غیریت انسان با انسان در عرفان اشاره کرد تصریح کرد: به لحاظ متافیزیکی غیریت انسان با انسان در عرفان منتفی است چون دیگری منم و من دیگری هستم. اکنون این سوال مطرح می‌شود که مسئله خیر و شر چه می‌شود؟ عرفان در اینجا معتقد است که ما در عالم تجلیات لطف و قهر داریم به طور مثال آنچنانکه مولانا در مثنوی می‌گوید موسی مظهر لطف و مظهر قهر خداوند است.

این استاد فلسفه در پایان سخنانش گفت: مسئله مدارا در عرفان اسلامی حاصل بینش است نه یک استراتژی و این موضوع را در تفکر عرفانی همه ادیان می‌توان دید و مفصل‌ترین آن در عرفان اسلامی ظهور پیدا کرده است. در عرفان اسلامی خودشناسی، خداشناسی و وجود شناسی یکی است و تفرقه میان سوژه، ابژه و غیرسازی مرتفع می‌شود.

وی در پاسخ به سوال یکی از حاضران درباره کاربرد عرفان در اخلاق توضیح داد: در گذشته سلسله کتاب‌هایی با عنوان فتوت‌نامه وجود داشت که اخلاق حرفه‌ای تمام مشاغل را شامل می‌شد. این کتاب‌ها از سوی اهل عرفان نوشته شده بودند و اخلاق اجتماعی را ترویج می‌کردند. بنابراین از دیرباز حیات اجتماعی نزد عرفا بوده است.